

از: دکتر سیدجعفر سجادی

سهم ایرانیان در پایه‌گذاری فرهنگ تمدن اسلامی

(۳)

فرقه اسمعیلیه

قرن پنجم و ششم، دوره قدرت اسمعیلیه است که سایر فرق اسلامی در مبارزه و مجادله بودند و وعده‌ای از مومنان بدین مذهب گرویدند و بنای جدال را با دانشمندان دیگر در مورد جانشینی حضرت صادق (ع) گذاردند و مسائل مختلف مذهبی را مورد نقد و بحث قرار دادند و چون در تفسیر و تأویل آیات متوسل بباطن میشدند، بنائاً دیگر جهت تفسیر آیات و تأویل اخبار اسلامی می‌گذارند و منطق و کلام جدیدی بوجود آوردند، از جمله دعوات اسمعیلیه «ناصر خسرو قبادیان» ملقب به «هجت خراسان» و حکیم و متکلم است. دیگر «احمد بن عبدالملک عطاش» و پسر ویست که به نشر عقاید اسمعیلیه پرداخته‌اند.

دیگر «حسن صباح» است که خود یکی از دانشمندان بزرگ و داعی الدعوات این فرقه و مؤسس فرقه صباحیه است. دیگر «مسعود زورآبادی» از فحول علمای خراسان است.

در این دوره‌ها یعنی قرن پنجم تا هفتم در اثر قدرت یافتن علماء دین وضع علوم عقلی و منطقی درهم شد و وعده‌ای



میشد و کسانی که بدنبال علوم عقلی میرفتند متهم بکفر و زندقه میشدند چنانکه «شیخ الرئیس ابوعلی سینا» و شاگردانش را نیز بالحداد متهم کردند و حتی متکلمان را هم بکفر و الحداد نسبت میدادند.

در هر حال از حکماء این عصر باید نام چند تن را ذکر کرد که در علوم منطقی نیز تحقیقات و شروح و حواشی دارند از جمله :

۱- **سهروردی:** شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی (۶۳۲ م) کتابهایی تألیف کرده است از جمله رشف‌النصایح الایمانیه و کشف‌الفصایح الالیوانیه و این غیر از شهاب‌الدین معروف است. وی چنانکه از عنوان کتابش معلوم است با آنکه خود در فلسفه و علوم یونانی وارد بوده حکما را ملحد میدانست.

۲- **حجت الاسلام، حمدغزالی طوسی** (۵۰۵) صاحب کتابهای تهافت‌الفلاسفه ، معیارالعلوم ، قسطاس‌المستقیم و جز آنها . غزالی یکی از کسانی است که در ادوار زندگی خود حالات مختلفی در علوم پیدا کرده است ، لکن در مسائل علمی و منطقی موشکافی خاصی دارد. وی نه تنها شارح ابواب و فصول منطق است بلکه در بسیاری از مسائل

علم مخالفت با این گونه مباحث برافراشتند و این امر شاید نتیجه همان زیادروی فرقه اسمعیلیه و ملاحظه دیگر در مورد توجه بباطن و کلام و فلسفه بوده است، بدین معنی که در مقابل فرقه اسمعیلیه که اهل باطن بودند و متوسل بتأویل و تفسیر میشدند ، علماء و فقهاء دیگر بطواهر آیات و اخبار توسل جسته و مردم را از تأویل و تفسیر منع میکردند و این راهی بود کاملاً مخالف با راه علوم عقلی و منطقی و بدین جهت گمان میکردند که هر کس بعلوم عقلی و فلسفی آشنائی داشته باشد ، مسائل دینی را از راه ظاهر منحرف کرده و متوسل به باطن میشود و یا علت و فلسفه وجودی احکام عبادی و تجاری را جویا میشود در هر حال این دوران دوران انحطاط علوم عقلی و منطقی است .

مدارس مانند مدرسه «سید تاج‌الدین» در شهر ری ، مدرسه «شمس‌الاسلام» و مدرسه «اثیرالملک» و «سید عزالدین مرتضی» در قم و نظامیه بغداد و نیشابور نظامیه بصره ، نظامیه اصفهان و نظامیه مرو و مدارس دیگری در شهر نیشابور و گرگان و اصفهان و همدان و خراسان و غیره تنها بعلوم عقلی و احادیث توجه



است. سوم نمط تعاند که برزبان محمد (ص) گذاشته است و همه این براهین در قرآن مجید یافت میشود.

وی اقسام غیر برهان قیاسی را موازین شیطان خوانده است (۲).

۳- امام فخر الدین محمد بن عمر الرازی

(۶۰۶) یکی از دانشمندان بزرگ ایران و اسلام است که در علوم عقلی و نقلی تبحر کامل داشت. او در کتابهای محصل و ملخص و منطق کبیر و جز آنها بررسی‌هایی از مسائل منطقی و عقلی کرده است با این سینا و روش او در مسائل عقلی همواره مخالفت میکند و براو سیتازد.

از اختصاصات او قدرت‌القاء شک و تردید است. در تمام مسائل عقلی و نقلی و در جدل و مغالطه ایستاد اول است. در بیشتر اصول مسلم فلسفی شک میکند و این معنی از کتب و رسائل وی پیدا است. وی را امام‌المشککین هم گویند. برخی دیگر از کتب فلسفی وی عبارت است از: البیان والبرهان فی الروعی اهل التریغ والطفیان، تهذیب‌الدلائل و عیون‌المسائل، نه‌ایة‌العقول، ملخص بعضی از شکوک امام در مسائلی از قبیل قضایا و قیاس و ببادی برهان ملاحظه میشود.

مهمترین کتاب وی مباحث‌المشرقیه

۱- رجوع شود به معیار‌العلم چاپ مصر ۱۹۲۰ ص ۲۸، ۱۳۴

۲- رجوع شود به معیار‌العلم ص ۱۳۵ - مقدمه تبصره ص ۱۸

ابتکاراتی دارد. در طرز بیان قضایا و اشکال و تطبیق آنها با مسائل علمی روز، یعنی فقه و اصول منفرد بوده است و بدین جهت میتوان او را پیشرو منطق علمی دانست، زیرا وی منطق را از حالت رکود و جمود بیرون آورد خود گوید:

« چون علوم معمول و متداول این عصر علوم مذهبی است و مردم توجه زیادی بمسائل فقهی دارند بدین جهت در مقام تطبیق امثله منطقی از این گونه مسائل استفاده میکنم تا بهره آن عام باشد (۱) ».

در باب تعلیم گوید: «انتقال دانش بدیگران از صورتهای حاصله در ذهن باید مدد گرفت».

در باب حدود کار مهمی که بعهدہ آنست و همچنین در باب مقدمات قیاس و سبک استدلال بیان جالبی دارد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران
مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وی گوید: «قیاس وحدس و تخمین و مفید یقین نیست.

فقها به تمثیل قیاس گویند و متکلمان رد الغایب الی‌الشاهد نامند».

دیگر از کتب مهم وی المنقذ من الظلال و مقاصد الفلاسفه است و خلاصه آنکه غزالی در مستصفی و معیار و محک و قسطاس تا حدودی روش این سینا را رعایت کرده است لکن در مستصفی و محک و قسطاس قیاس برهانی را به سه نمط بخش کرده است:

یکی نمط تعادل (اقترائی) دیگر نمط تلازم که بقول او خدا آنرا بکار برده



آباء واجدادی میداند.

گویند بعضی از آراء و عقاید او از افلاطون یا افلاطونیان جدید است و از ارسطو هم متأثر شده است. در آغاز کتاب مطارحات و تلویحات و مقاومات و حکمت اشراق اصول و مسائل منطقی را ایراد کرده است (۲).

در باب منطقی تا حدودی روش مشائیان را نادیده گرفته است و در اصطلاحات تغییراتی داده است در قضایا سعی کرده است که آنها را بیک قضیه برگرداند، چنانکه همین کار را بعدها صدرای شیرازی و سبزواری کردند. در کتاب منطقی حکمت اشراق ابتدا رئوس ثنائیه را برشمرده است و ضوابطی درمبحث علم و تعاریف آن فکر کرده است بدین شرح:

۱ - دلالت لفظ بر معنی ۲ - کیفیت حصول علم و وجود ذهنی ۳ - تقسیم ماهیات به بسائط و مرکبات. ۴ - فرق بین اعراض ذاتی و غیر ذاتی ۵ - بحث در کلی و آنکه وجود خارجی دارد یا نه ۶ - برای چه انسان نیاز بمنطق دارد. از جمله اصطلاحات ویژه وی دلالت حیظه دلالت بالمقصد و دلالت تطفل است (۳).

است که رؤس مسائل فلسفی و منطقی را کلا در این کتاب مطرح میکند و چنانکه عادت اوست مورد شرح و نقض قرار میدهد (۱).

۴- **ابوالعباس فضل بن محمد لوگری مروزی** از شاگردان بهمنیار است وی در اقسام علوم عقلی و از جمله علوم منطقی کتابها نوشته است و کتاب شفا را تلخیص کرده است. کتاب منطقی وی در نه فن و هشت مقالات است که آنهم منتخبی است از منطقیات شفا.

۵- **دیگر قاضی زین الدین عمر بن سهلان ساوی** است که معاصر سنجر است. از آثار اوست کتاب بصایر النصریه در منطقی و کتاب التبصره.

۶- **تاج الدین محمد بن عبدالکریم شادستانی** (۵۴۸ م) وی فیلسوف و منطقی است، بهترین مقولات نخبه شفا را برگزیده و خطاهای شیخ را نمودار کرد. افکار و نظریات او در فلسفه و منطق حائز اهمیت است.

۷- **شهاب الدین سهروردی**: شهاب الدین ابوالفتوح یحیی بن حبیش بن امیرک سهروردی یکی از فلاسفه بزرگ ایرانست بسال ۵۴۹ در سهرورد ولادت یافت و بسال ۵۸۷ در حلب کشته شد. ویرا شیخ اشراق یا شیخ مقتول یا شهید هم نامیده اند. و بطور قطع یکی از نوایغ فکری ایران محسوب میشود. ویرا میتوان بانی فلسفه اشراق در دوران اسلامی دانست. حکمت اشراق وی همانطور که خود گوید مبتنی بر اصول فلسفی ایرانیان قدیم است و در حقیقت خود را زنده کننده فلسفه

- ۱- رجوع شود بتاریخ علوم عقلی و تاریخ ادبیات دکتر صفا جلد دوم
- ۲- رجوع شود بکتابهای نامبرده.
- ۳- رجوع شود به شرح قطب الدین بر کله اشراق - چاپ تهران، در باب منطقیات.



عده‌ای از دانشمندان در اعصار بعد از ابن‌سینا و شاگردان و شاگردان شاگردانش :

- ۱ - القضطی ۱۱۷۲-۱۲۴۸ م
- ۲ - الکانی ۱۱۸۰-۱۲۶۸ م
- ۳ - النخجوانی ۱۱۹۰-۱۲۵۰ م
- ۴ - الارسوی ۱۱۹۸-۱۲۸۰ م
- ۵ - الابهری ۱۲۰۰-۱۲۶۵ م
- ۶ - نصیرالدین طوسی ۱۲۰۱-۱۲۷۴ م
- ۷ - قطب‌الدین شیرازی ۱۲۳۶-۱۳۱۱ م
- ۸ - شمس‌الدین سمرقندی ۱۲۴۰-۱۳۰۴ م
- ۹ - رکن‌الدین استرآبادی ۱۲۵۰-۱۳۱۸ م
- ۱۰ - الحلی ۱۱۲۵-۱۱۲۳ م
- ۱۱ - ابن‌ترمیمه ۱۲۶۳-۱۳۲۸ م
- ۱۲ - شهرستانی ۱۱۳۶-۱۱۳۹ م

ادامه پیدا کردن بازار بحث وجدل علوم دیگری پدید آمده است. این دانشمندان بعضاً در توضیح مسائل قبلی‌ها حواشی نوشته‌اند که خود درخور توجه است. لکن در هر حال با وجود مخالفت‌هایی که با این عده میشد، اینان در کمال خلوص نیت و بردباری به بحث و فحص این علوم پرداخته و در نگهداری آن سعی بلیغ مبذول داشته‌اند. از جمله دانشمندان این عصراند :

۱- **ابهری اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری (۶۶۰)**. که مردی فیلسوف بوده و کتاب «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار» را در منطق و حکمت نوشت و گزیده‌ای از این دو علم را در آن آورد و اندیشه‌های خود را در آن ایراد کرده است و از پاره‌ای از اصول خرده گرفته است.

خواجه طوسی در رد آن «تعدیل المعیار فی نقل تنزیل الافکار» را نوشت و از آراء فلسفی و منطقی او خرده‌گیری کرد.

۲ - **خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ م)**. یکی از بزرگان جهان‌علم و دانش بشری است. وی در فنون و علوم مختلف صاحب نظر بود در باب منطق علاوه بر شروحاتی که بر منطق و اشارات نوشته است کتاب مهمی که در بعضی از قسمتهای خطابی و شعری و مغالطی آن مبتکر بوده است بنام «اساس الاقتباس» نوشت. (۱)

۱- رجوع شده به مقدمه اساس الاقتباس - چاپ تهران - ص ۳۲۸

سیر منطق در قرن ۷، ۸، ۹، ۱۰

چنانکه قبلاً اشارت رفت دانشمندی که بعد از فارابی و ابن‌سینا و احیاناً غزالی در علوم عقلی و منطقی دستی داشتند با وجود تبحری که در این علوم داشتند و کتابهایی نوشته‌اند همه شارح همان مطالب بوده‌اند و از خود چیز جالبی نیفزوده‌اند و لکن بررور ایام و



محمدابن ابی بکر آذربایجانی ارسوی است (۶۸۲-۵۹۴) که مطالع نوشته است و قطب رازی آنرا شرح کرده است.

۶ - **علامه حلی:** وی علاوه بر آنکه مردی فقیه وعالم دینی بود در علوم کلام و منطق دستی داشته است. از کتب منطق او است:

مراد التذقیق ومقاصدالتحقیق ، شرح برشمسیه کاتبی ، القواعد الجلیه ، شرح منطق طوسی است .

۷ - **عضدالدین ایجی** (۷۵۶ م) کتابی در آداب البحث دارد که شرحهائی بر آن نوشته اند ، مانند شرح میرسید شریف جرجانی ومحمد حنفی تبریزی و

۸ - **قطب الدین شیرازی** (۷۱۰) یکی از بزرگان علماء وفلاسفه ایران است که علاوه بر حکمت ومنطق وریاضیات در تمام علوم شرعیه دست داشت .

کتاب معروف وی « درة التاج » است که خلاصه ای از تمام معارف اسلامی است. در بخش منطقیات این کتاب ابتداء از فضیلت علم سخن گفته است و برای اثبات آن دلایلی نقلی وعقلی آورده است وباستناد آیات واخبار اسلامی وسخنان انبیاء مرسلین وجوب تعلیم و تعلیم را اثبات کرده است.

پس از آن مقوله ای در علم و کیفیت حصول آن بحث کرده است سپس بتقسیم بندی علوم پرداخته است. وی علوم را از نظر کلی

در این کتاب که یکی از امهات کتب منطقی است علاوه بر فصول خاصی که نمودار ابتکار فکری اوست جداول دقیقی که در نمودن اشکال وضروب اقیسه منتجه وعقیمه وشرايط آن دقت شده است تنظیم کرده است. این کتاب بروش منطق شفا تألیف شده است ونه بخش دارد :

مقاله اول ایساغوجی است وچهار فن است :

۱ - مباحث الفاظ ۲ - کلی وجزوی
۳ - ذاتی وعرضی ۴ - کلیات خمس در باب کیفیت دلالت الفاظ برمعانی ونسبت الفاظ برمعانی مورد استفاده علماء معانی و بیان و علماء اصول قرار گرفته است . یکی از مباحث جالب این کتاب بحث در تعارض علم وجهل و ظن است. (۱)

در باب اقیسه بحث مفصلی دارد در ضمن نامی از قیاس فراس ، ضمیر ، علامت آورده است .

۳ - **نخجوانی:** امام معظم نجم الدین احمد بن ابی بکر بن محمد نخجوانی (۶۵۱) وی صاحب کتاب لباب المنطق ، زنده النقص ولباب الکشف است.

۴ - **دیران کاتبی:** نجم الدین علی بن عمر بن علی کاتبی قزوینی (۶۱۵) . یکی از فلاسفه ومنطقیانست. بحرالفوائد فی شرح عین القواعد از تألیفات اوست. دیگر کتاب شمسه است در منطق.

۵ - **انموی:** یکی از منطقیان: ابوالثنا یا



و بتقسیم اولیه منقسم کرده است به :

۱ - علوم حکمی ۲ - علوم غیر حکمی .
علوم غیر حکمی را نیز بدو قسمت کرده
است : الف : علوم دینی - ب : علوم غیر دینی.
سپس اقسام علوم حکمی و دینی را
برشمرده است .

وی مانند شیخ جزا و حکمت را بدو
قسمت عملی و نظری تقسیم کرده است . حکمت
عملی را سه قسم داند .

تهذیب اخلاق ، تدبیر منزل ، سیاست
مدینه .

حکمت نظری را شامل : علم الهی و
فلسفه اولی ، ریاضیات و طبیعیات داند .

علم ریاضی را شامل : هندسه ، حساب ،
هیأت ، نجوم و موسیقی دانسته است .

فروع دیگری نیز برای ریاضیات برشمرده
است مانند : مناظر و سراپا ، جبر و مقابله ،

جر ، انتقال ، علم مساحت ، علم حیل ،
علم جمع و تفریق ، علم اوزان ، علم زیجات و

تفاوتیم و علم نقل میاه . علوم طبیعی را شامل
سماع طبیعی ، السماء و العالم ، علم کون و

فساد ، علم آثار علوی ، علم معادن ، علم
نبات ، علم حیوان و علم نفس داند و فروعی

دیگر برای آن ذکر کرده است مانند : طب ،
علم احکام نجوم ، علم فلاح ، علم فراست ،

علم تعبیر خواب ، علم کیمیا ، علم طلسمات
و علم نیر نجات . وی علوم منطقی را از فروع

علوم الهی میدانند و تقسیم دیگری برای علوم
کرده است :

۱ - آنچه بنقل دانسته شود ۲ - آنچه

بنقل دانسته نشود ۳ - آنچه هم بنقل هم

بعمل اثبات شود . آنچه بنقل اثبات شود فروع

دین است . آنچه بعقل اثبات شود اصول دین
است مانند : معرفت ذات و صفات علم . فروع

دین را شامل : علم کتاب یعنی تفسیر ،
قرائت ، وقوف ، لغات قرآن ، اعراب ، اسباب

نزول ، معرفت ناسخ و منسوخ ، علم تأویل و
قصص ، علم استنباط معانی قرآن ، علم ارشاد

و نصیحت ، علم معانی و بیان درایه ، رجال ،
کنیه و القاب ، قبائل و انساب ، اعمار و بلدان ،

اوطان ، رجال و صحابه ، اصول و فقه میدانند .
وی نامی از علوم مبتسمی برده است و آنرا

شامل علوم ادبی میدانند . فن مناظره را یکی
از فنون مهم دانسته است .

در باره تاریخچه منطقی و واضح و غرض
از آن بحث کرده است و آراء و اقوال مختلف

را ایراد کرده است . وی اصول کلی و علوم
متعارفه و اصول موضوعه را با بیان جالب

در باب منطقیان ایراد کرده است .
۹ - افضل الدین ناما ورا الخونجی :

(متوفی ۶۴۹) از نواحی آذربایجان است .
از جمله آثار وی در منطق : کشف الاسرار

عن غوامض الافکار است که حواشی و شرحهای
مهمی بر آن نوشته شد . کتاب دیگر او الموجز

است که سیف الدین عیسی بن داود منطقی
شرحی بر آن نوشته است . (۱)



۱۰ - علامه قطب‌الدین محمد بن محمد بویه رازی (متوفی ۷۶۶) .

از کارهای اوست : نحر « القواعد المنطقیه » یا شرح رساله تمصیه « لواع الاسرار فی شرح مطالع الانوار ، رساله‌ای در تحقیق کلیات ، تحقیق دلالت ، تحقیق تصور و تصدیق ، تحقیق محصورات .

۱۱ - سعدالدین تفتازانی (متولد ۷۲۲)

از شاگردان اوست که بعداً نامی از وی برده میشود .

۱۲ - برهان‌الدین نسفی ابوالفضل

از کارهای اوست در منطق :

۱۲ - برهان‌الدین نسفی ابوالفضل از کارهای اوست در منطق .

کتاب الفصول در علم جدل که شمس‌الدین محمد سمرقندی آنرا شرح کرده است . این کتاب را مقدمه البرهانیه نیز نامیده‌اند ، دیگر « القوادح الجدلیه » (۱) .

۱۳ - محمد بن عبدالله مراغی (۶۸۱)

دارای کتاب الخلاصه در جدل است .

۱۴ - تفتازانی :

چنانکه اشارت رفت دانشمندان بزرگ اسلامی فن منطق را در اثر ضرورت‌های علمی و اجتماعی و مذهبی با سایر دانشهای دیگر و معارف اسلامی بیامیختند و از اصول واقیسه و باب کلیات و مباحث الفاظ در سایر علوم پرها گرفتند و مانند تفتازانی و عبدالقاهر جرجانی جهت تفسیر درست آیات و اخبار و تاویل و توجیه تشابهات و عبارات

والفاظ مجمل فن معانی و بیان و بدیع را گسترش دادند و در این قسمت از علوم عقلی مدد گرفتند و منطقی دیگر باسطی تمام بوجود آوردند که همان منطقی لفظی باشد که اخوانه الصفا از آن نام بردند . تفتازانی صاحب تهذیب المنطق که ملا عبدالله یزدی بر آن شرحی نوشته است یکی از کسانی که اصول منطق را با عباراتی موجز بیان کرده است لکن اهمیت وی در فن معانی بیان است که یکی از فنون اربعه ادبیه محسوب میشود چنانکه باب خطابه « شعر » جدل و مناظره را از مباحث منطق لفظی بدانیم .

در هر حال غرض اصلی این دانشمندان در دقت و توجه بدینگونه افکار و مباحث مهم فهم و درک معانی اخبار و روایات و آیات قرآنی و ماثورات بوده است و در حقیقت منطق اخبار و قرآن است لکن دامن این مباحث را چنان توسعه و گسترش دادند که این فنون سه‌گانه جنبه ادبی جهانی یافته است . در علوم معانی و بیان مباحث مختلفی که تشابه کامل با منطق فلسفی دارد مورد توجه واقع شده است مانند بحث در الفاظ از تباین تساوی ترادف تجانس لفظی و معنوی ، قضایای خیریه ، انشائییه ، التفاف از خطاب به غیبت از غیبت به خطاب از تکلم به غیبت از خطاب به تکلم و بالعکس ، ایجاز ، اطناب ، تقدیم ، تأخر ، فعل ، وصل ، شعر و اقسام آن قیاسات عقلی ، عرفی مجازات و انواع آن .



این مباحث و فنون برای درک و فهم ادب
هرجامعه از ضروریات است .

در قسمت صرف و نحو نیز از اصول و اقیسه
منطقی و کلیات استفاده کامل شده و در ترتیب
فصول و ابواب نحو این معنی بطور کامل
نمودار است و در بسیاری از موارد از اقیسه
و اشکال منطقی استفاده شده است . و این
کار ابتدا بوسیله یوحنا «یحی» نحوی پایه ریزی
شده و بوسیله کسائی و سیبویه و ابن هشام،
سیدرضی ، درالکتاب و مغنی و شرح کافیه
بمرتبه کمال و رشد خود رسید و بدین ترتیب
در کلیات مسائل دستوری قواعد جهانی
بوجود آمد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی